

## شیعیان مصر؛ گذشته و حال

سیده مطهره حسینی\*

### چکیده

تاریخ مصر، به دلایلی چند این کشور را همواره مهد چالش‌ها و کانون رویدادهای تاریخ‌ساز کرده است. رویدادهای تاریخی، مصر را به کانون جریان‌های نظری و عملی تبدیل کرده است. تشکیل خلافت نیرومند فاطمی، فعالیت و حیات شیعیان، فرهنگ تشیع، تاریخ معاصر حضور شیعیان در مصر، وضعیت کنونی شیعیان مصر، شخصیت‌های همسو با تشیع و سازمان‌های شیعی در این مقاله بررسی شده‌اند تا به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود که می‌پرسید: شمار (فراوانی) شیعیان مصر چقدر است و جامعه مصر تا چه میزان پذیرای فرهنگ تشیع است؟

### واژگان کلیدی

مصر، شیعیان، اهل بیت(ع)، مجمع تقریب مذاهب، الازهر، الدرینی، الوردانی، انقلاب اسلامی ایران

#### مقدمه

جمهوری عربی مصر با جمعیتی بیش از ۷۴ میلیون نفر، از نظر گستردگی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و پیشرفت، مهم‌ترین کشور عربی به‌شمار می‌آید. پس از حکومت فراعنه در حدود ۶۰ سده پیش از میلاد مسیح، ایرانی‌ها، یونانی‌ها و اعراب بر مصر حکومت کرده‌اند (هاپکینز و سعد، ۱۳۸۹، ص ۵۱). بیشتر جمعیت آن کشاورزان که در دره و دلتای نیل، یعنی تنها مناطق قابل کشاورزی مصر، زندگی می‌کنند. دین رسمی کشور مصر اسلام و بیشتر مردم (۹۴ درصد) پیرو آن هستند (بیات، ۱۳۷۹، ص ۵۸). بیشتر آن‌ها شافعی‌مذهب هستند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه دوازده‌امامی است.

مصر به دلایل زیادی در بزرگراه ارتباطات جهان اسلام قرار دارد و کانون صادرات فکری- نظری جهان اسلام است. از دیرباز همه حوزه‌های علمی و دینی در جهان اسلام از تحولات مصر متأثر بودند. جهت‌گیری‌های سیاسی و دینی دولت و جامعه مصر در برابر شیعیان، بر کل تحولات دینی و سیاسی آفریقا تأثیر دارد و به‌نوعی، حتی وضعیت شیعیان را به‌طور کلی در سایر نقاط آفریقا تعیین می‌کند. حتی وهابیت زمانی که توانست در محافل علمی و دینی مصر به ویژه در الازهر مورد پذیرش برخی دانشمندان و عالمان سلفی قرار گیرد، راه را برای گسترش در جهان اسلام هموار دید و به‌نوعی از مشروعیت علمی- دینی برخوردار شد. بنابراین، نوع برخورد مصر با تشیع و نوع برخورد شیعیان و کشورهای پشتیبان آن‌ها با مصر بر سرنوشت شیعیان بسیار اثرگذار خواهد بود. مصر محل رویارویی آرای مسلمانان است، ولی به‌دلیل فعالیت سلفیان در این کشور، برخوردهای زیادی با شیعیان صورت می‌گیرد.

با وجود قدرت فرهنگ تشیع در مصر (مظفر، ۱۳۶۸، صص ۲۵۷-۲۵۸)، هنوز هیچ پژوهش دانشگاهی در ایران و حتی در سایر کشورها برای بررسی وضعیت امروزی مذهب اهل بیت(ع) در مصر انجام نشده است، درحالی‌که یکی از بنیادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناخت جمعیت‌های همسو و شناسایی زمینه‌های مناسب برای فعالیت و همکاری در کشورهای گوناگون است. با توجه به مهاجر ماندن مطالعات جمعیت‌های شیعی و فرهنگ تشیع در کشورهای گوناگون به‌ویژه کشورهای

اسلامی، در این مقاله آیین تشیع در مصر و وضعیت امروزی آن بررسی شده است. با عنایت به زمینه‌ها و بسترهای شیعی که در جامعه مصر وجود دارد، پرسش اصلی این مقاله آن است که جامعه شیعیان مصر از نظر تعداد و میزان وابستگی به فرهنگ تشیع و آیین‌های شیعی در چه شرایطی قرار دارد و جامعه مصر تا چه میزان پذیرای فرهنگ تشیع است؟ هدف از طرح این پرسش، بررسی جمعیت‌های شیعی در جامعه مصر (به‌عنوان یکی از رهبران فکری جامعه عرب و اسلام) و زمینه‌های فعالیت شیعیان در این کشور می‌باشد.

#### ۱. حضور تشیع در مصر

اسلام از دروازه مصر وارد آفریقا شد. با روی کار آمدن سلسله‌های اموی و عباسی و تحت تعقیب قرار گرفتن اهل بیت (ع) و شیعیان آنان در حجاز و عراق، بسیاری از سادات در جستجوی پناهگاه به مصر که دور از دسترس حاکمیت مرکزی بغداد بود، به مصر مهاجرت کردند. بنابراین جایگاه اهل بیت (ع) در مصر از همان سده آغازین اسلام استوار شد (چلونگر، ۱۳۸۱، صص ۱۵۱-۱۶۵؛ عبدوس، ۱۳۸۷). روی کار آمدن دولت‌های شیعی در مصر، به ویژه فاطمیان، موجب ژرف‌تر شدن جایگاه تشیع در این کشور شد (ناصری طاهری، ۱۳۷۹، ص ۶۶). ولی اشتباهات و بی‌توجهی‌های فاطمیان و سپس روی کار آمدن ایوبیان در مصر و شمال آفریقا موجب از میان رفتن میراث شیعی این سرزمین و تعقیب و کشتار شیعیان گردید (طقوش، ۱۳۸۰، ص ۳۴) و (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، صص ۴۷ و ۱۴۷). از آن هنگام تاکنون، شیعیان مصر در تقیه بوده یا زیر پرده اندیشه‌های صوفیانه زیسته‌اند. با وجود فعالیت ایوبیان برای از میان بردن آثار و نشانگان شیعیان، ریشه‌های فرهنگ شیعی در مصر همچنان باقی مانده است. وجود این آیین‌ها نشان می‌دهد با وجود فشار، ترس و وحشت حاکم بر جامعه، روح تشیع در متن جامعه مصر پایدار ماند (غزالی؛ در: کدیور، ۱۳۷۳، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ پاک‌آیین، ۱۳۷۵، ص ۱۳). نمونه‌هایی از فرهنگ و آیین‌های شیعی مصر در پایین می‌آید:

- برگزاری مراسم عاشورا؛ سوگواری موکب‌های حسینی در قاهره تا پایان دوره عثمانیان که به شیعیان آزادی اندکی داده بودند؛ به‌ویژه در محله‌ای که «الحسین» نامیده

می‌شد، از سوی ایرانی‌تباران دیده می‌شود. هرچند از آنجاکه صلاح‌الدین ایوبی کوشید مراسم سوگواری را از قالب یک مراسم سوگواری به مراسمی شادی‌بخش تغییر دهد، امروز مصری‌ها در بیشتر مناطق، بنا بر سنت اموی، محرم را به‌عنوان آغاز سال نو قمری جشن می‌گیرند.

- شب نیمه شعبان که فرقه‌های صوفی آن را جشن می‌گیرند.

- زادروز حضرت زینب(س) و امام حسین(ع) و بانو نفیسه از نوادگان امام حسن(ع) هر ساله جشن گرفته می‌شود (پاک‌آیین، ۱۳۷۵، صص ۱۸-۲۰).

- رسم فانوس‌گیری در ماه رمضان و بازی کودکان در این ماه نیز از آیین‌های شیعی است که از مصر به سایر سرزمین‌ها راه یافته است.

- نام سید از نام‌های رایج در مصر است که برای احترام پیش از نام افراد نیز آورده می‌شود. نام‌های علی، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه و نفیسه از شایع‌ترین نام‌ها در این سرزمین می‌باشد. نام‌های عایشه و عمر برای دشنام دادن هنوز هم در میان عوام رایج است و برخی مردم ندانسته آن را به کار می‌برند.

- مصری‌ها هنوز هم به دلیل حرام بودن گوشت خرگوش در مذهب تشیع آن را نمی‌خورند (وردانی، ۱۳۸۲؛ رضانی گل‌افزایی، ۱۳۸۷).

به گزارش یک روزنامه سلفی مصری، بسیاری از شیعیان مصر بر باورهای خود باقی مانده‌اند ولی اینک یا تقیه می‌کنند و یا در ظاهر اظهار به مذهب تسنن کرده‌اند (روزنامه المحرر، ۱۹۹۵). درباره ویژگی‌های مصریان، می‌توان گفت آنان نزدیک‌ترین افراد به اهل بیت(ع) و شیعه هستند. از این رو برخی، مصریان را «شیعیان سنی» نامیده‌اند و این به سبب احترامی است که مردم این کشور برای اهل بیت پیامبر(ص) قائل هستند (احمد، ۱۳۸۳، ص ۱۶). محمد حسنین هیکل، روزنامه نگار معروف مصری و مشاور عبدالناصر در این باره می‌گوید: «شما شیعیان به سبب محبتی که به اهل بیت(ع) دارید، اسم حسن و حسین را بر اولاد خود می‌گذارید، ما هم همین طور هستیم، اما ما هر دو اسم را یک جا برای بچه‌های خود بر می‌گزینیم: یعنی نام آنان را حسنین می‌گذاریم». امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه در عهدنامه محمد بن ابوبکر درباره مردم مصر می‌فرماید:

«تو را برای فرمانروایی به جایی می‌فرستم که نزدیک‌ترین افراد به من هستند. آنان اهل مصرند» (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، مجموعه اسناد مصر).

## ۲. بارگاه بزرگان شناخته شده شیعه در مصر

در جنوب مصر ده‌ها بارگاه به چشم می‌خورد به طوری که کمتر روستایی در این ناحیه می‌توان یافت که ضریح صوفی یا فقیه یا به تعبیر عامه، ولی در آن دیده نشود. در اسوان ده‌ها بارگاه وجود دارد که درگذشتگان آن به خاندان پیامبر منسوب هستند و پرچم‌های سرخ و سبز بر فرازشان افراشته است. مهم‌ترین بارگاه‌های بزرگان شیعه در مصر بدین شرحند:

۱. رأس الحسین: در پایان دوران فاطمی، بدر الجمالی یا پسرش افضل، پس از شکست صلیبیان در قدس سر مبارک امام حسین (ع) را که در عسقلان به خاک سپرده شده بود به قاهره آورده، و در قصر خلیفه دفن کردند. بنا بر برخی روایت‌ها هنگامی که سر مبارک امام حسین (ع) به دستور یزید در ولایت‌های امپراتوری اسلامی می‌چرخید، مصریان آن را دزدیدند و پنهانی در قاهره به خاک سپردند (کدیور، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

۲. مزار حضرت زینب (س) نیز یکی دیگر از مکان‌های زیارتی قاهره است. برخی از تاریخ‌نویسان می‌گویند آن حضرت در مصر اقامت داشت و در اقامتگاه خود در سرای حاکم مصر در کوی منسوب به سیده زینب به خاک سپرده شد. درباره سفر حضرت زینب (س) به قاهره گفته شده که آن حضرت مدتی به‌عنوان مشاور ویژه حاکم مصر در عصر خود منصوب شد و لقب «صاحبه الشوری» داشت (پاک‌آیین، ۱۳۸۲؛ کدیور، ۱۳۷۳، ص ۶۸).

۳. مزار فاطمه دختر امام حسین (ع) که در هنگام ورود حضرت زینب (س) به مصر همراه او بوده است.

۴. بانو نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی (ع) که به همراه همسرش اسحاق ابن جعفر صادق (ع) به مصر آمد. بارگاه او از مشهورترین زیارتگاه‌های مصر است و جشن ولادت او هر ساله برگزار می‌شود. مصریان به سیده نفیسه علاقه ویژه دارند و همه روزه در روزهای یکشنبه و پنج‌شنبه برای برگزاری مراسم ازدواج در

بارگاهش گرد هم می‌آیند. کنار این مزار، قبر بسیاری از آل ابوطالب (ع) وجود دارد که مشهورترین آن‌ها مزار رقیه دختر امام علی ابن موسی‌الرضا (ع)، سکینه دختر امام حسین (ع) و عایشه دختر امام صادق (ع) (در محله سیده عایشه) است. هر چهار مزار در بخش قدیمی قاهره واقع شده است (امیردهی، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۳۴؛ رضوان طلب، ۱۳۸۵، صص ۲۵۸ و هاپکینز و ریم، ۱۳۸۹، صص ۶۸).

۵. مزار مالک اشتر نخعی (مالک ابن حارث) در منطقه قلعج نزدیک شهر خانکه واقع در پیرامون عین شمس قدیم؛ در مصر از او با نام شیخ عجمی یاد می‌شود. بیشتر زائران مالک را اعراب و مردمان دوردست تشکیل می‌دهند و وی میان مردم بومی مصر شهرت اندکی دارد. در سال‌های اخیر بُهره‌های اسماعیلی مزار وی را بازسازی کرده و برادر شیخ بهره را در کنارش دفن کرده‌اند (کَمُونِه حسینی، ۱۳۷۱، صص ۳۰۳-۳۱۴).

۶. مزار طلایع ابن رزیک از والیان مصر علیا در دوران فاطمی؛ مسجد جامع دروازه زویله به نام طلایع توسط او ساخته شده است. گسترش تشیع در مصر علیا و دیگر نقاط دوردست مصر در دوران او انجام پذیرفت. وی با وجود مخالفت پیروان مذهب اسماعیلی، شیعه امامیه را هنگامی که قائم مقام دو خلیفه خردسال فاطمی بود، در مصر گسترش داد. محله صالحیه منسوب به طلایع است که لقب صالح را از خلیفه فاطمی گرفته بود.

۷. مزار قاضی نعمانی یا نعمان بن محمد، از قاضیان مشهور دوران حکومت فاطمیان، صاحب کتاب اختلاف المذاهب؛ وی در ابتدا مذهب مالکی داشته و پس از آن شیعه شد.

۸. مزار محمد ابن ابی بکر، پسر خواننده امام علی (ع) که پیش از مالک اشتر فرماندار مصر بود، واقع در شهر میت دمسیس از توابع منصوره. قبر دیگری در ناحیه فسطاط منسوب به وی است.

۹. بارگاه سر زید بن علی؛ در مصر به او زین‌العابدین گفته می‌شود. هنگامی که امویان سر زید را شهر به شهر می‌گرداندند، مردم مصر سر زید را ربودند و به خاک سپردند (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۷-۱۳۱).

### ۳. توزیع جمعیت شیعیان مصر

بیشتر شیعیان مصر بازمانده دوران خلافت شیعیان در مصر هستند و از این رو گرایش‌های هفت امامی و گاه چهار امامی دارند. هرچند به دلیل آنکه آنان قرن‌ها از آموزش مبانی دینی دور بوده‌اند؛ غبار زمان بر باورهای آنان نشسته و اختلاط در آرا و عقاید بر آن چیره شده است. دسته‌های اندک شیعیان امامی مصر عموماً پس از انقلاب اسلامی ایران تشکیل شده‌اند و به دلیل فشارهای اجتماعی و سیاسی عقاید خود را پنهان می‌کنند. خاندان‌های شیعی مصری که اصالت ایرانی و عربی دارند پیوسته در تقیه به سر می‌برند. بسیاری از آن‌ها در واقعیت ذوب شده و باورهای آن‌ها قلب شده و از تشیع چیزی جز نام ندارند. یکی از این خاندان‌های شیعی، خاندان بانو «راحله تحیه کاظم»، همسر جمال عبدالناصر است که هیچ دخالتی در امور سیاسی شیعیان نمی‌کند و تشیع خود را چندان آشکار نمی‌دارند (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵). نمونه دیگر شیعیانی هستند که در برابر واقعیت موجود رویکرد سلبی در پیش گرفته‌اند و یا همچون اعضای جمعیت آل‌البیت (ع) به سبب حکم دادگاه مبنی بر انحلال این جمعیت، از ترس برخوردهای شدید دولت و سلفیان، سال‌های درازی است که در سکوت به سر می‌برند. اینان بیم دارند که مبادا با دستگاه امنیتی کشور درگیر شوند و امید آن را دارند که روزی گشایشی در کارها حاصل شود. برخی از شیعیان نیز راهبردهای دیگری برگزیده‌اند و با سلفی‌گری متظاهر به رهبانیت و انزوا طلبی خود را از جامعه جدا کرده‌اند و مطالعه فرهنگ گذشته به جای مطالعات فکری معاصر را مورد اهتمام قرار داده‌اند. نباید این واقعیت را نیز از نظر دور داشت که بیشتر دسته‌های شیعی به رسوب‌های فکری و خیال‌های ذهنی خود رنگ تشیع داده‌اند و با کناره‌گیری از واقعیت زیر پوشش اندیشه انتظار امام غایب (عج) خود را از امور این دنیایی و دینی کنار کشیده‌اند (وردانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶).

آمار رسمی دولتی یا آمار ارائه شده از سوی منابع مستقل در مورد شمار شیعیان در دست نیست. برخی از رهبران شیعی، شمار شیعیان مصر را نزدیک به نیم میلیون ذکر می‌کنند. برخی منابع پلیس شمار آنان را بیش از چند هزار نفر برآورد می‌کنند. برخی از منابع شیعی نیز شیعیان مصر را از هفت صد هزار تا یک میلیون نفر برآورد کرده‌اند.

الدربنی یکی از رهبران شیعه مصری این تعداد را ۲/۵ میلیون نفر دانسته است. این آمارها شامل همه شیعیان ۱۲، ۴، ۶ و ۷ امامی می‌شود. در قاهره شمار زیادی از شیعیان در محله‌های طنطا و منصوره در دلتا یعنی بخش شمالی پایتخت زندگی می‌کنند و در روزهای جمعه برای برپایی نماز در مسجد حضرت زینب در وسط قاهره گرد هم می‌آیند. بیشتر شیعیان در جنوب مصر زندگی می‌کنند. در برخی از شهرهای جنوب مصر اقلیت‌های بزرگی از شیعیان زندگی می‌کنند که اسنا، ارفو، ارمنت و فقط از آن جمله‌اند. در اسوان نیز بیشتر مردم شیعه هستند (رضوان طلب، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸). در مناطق کنار دریا، یعنی شمال مصر، اثری از شیعیان دیده نمی‌شود شاید به این دلیل که اعراب در ابتدای ورود به مصر در این مناطق ساکن نشدند و هم اکنون نیز مردم این مناطق از نژادهای غیر عرب (بربر) هستند (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵).

در جنوب مصر در منطقه «صعید» به ویژه استان‌های «قنا» و «اسوان» گروهی از منسوبان به حضرت امام جعفر صادق (ع) به نام «جعافره» زندگی می‌کنند. تعداد جعافره در مصر به دو میلیون نفر می‌رسد. آن‌ها اندیشه‌هایی نزدیک به شیعه دارند و با اهل سنت همزیستی برادرانه دارند (پاک‌آیین، ۱۳۸۲). در صفحات تاریخ آمده است که شهرهای شیعه‌نشین منطقه صعید بارها ضد صلاح‌الدین، ممالیک و عثمانی‌ها به پا خاستند. بُهره‌های اسماعیلی گروه دیگری از شیعیان هستند که در بسیاری از مناطق مصر زندگی می‌کنند (پاک‌آیین، ۱۳۷۵، ص ۲۲).

شاید برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین دسته‌های شیعیان امامیه، اشراف یا طالبین از فرزندان علی بن ابی طالب باشند که پیش از ظهور فاطمیان در مصر حضور داشتند به طوری که یکی از شهرهای جنوبی مصر الاشراف نام دارد که تابع استان قنا است. اشراف امروز در سراسر مصر پراکنده‌اند و رویکرد صوفیانه دارند و سلسله مراتب دینی- رهبری به ویژه نقیبان و داعیان هنوز هم در میان آن‌ها بنا بر رسوم و شرایط ویژه‌ای برگزیده می‌شوند. اشراف در اصل شیعیان اهل بیت (ع) بودند که به مصر کوچ کردند؛ ولی بعدها در اثر فشارهای سیاسی و اجتماعی در جامعه هضم شدند و تنها شمار اندکی از آنان هنوز به باورهای شیعی پایبند هستند. هرچند، به سبب ترس از



سازمان امنیت فعالیت رسمی ندارند. با وجودی که میان شیعیان مصر افراد ثروتمند بسیارند اما هیچ تحرک دینی در وجود آنها دیده نمی‌شود. در مصر نزدیک به ۱۰۰ انجمن تصوف وجود دارد که مدعی‌اند ۶ میلیون (نزدیک به نیمی از جمعیت بالغ مردان) عضو دارند (هاپکینز و ریم، ۱۳۸۹، ص ۶۹). شیعیان و صوفیان به سبب دوستداری اهل بیت (ع) و باور به برتری ائمه اطهار (ع) نسبت به سایر صحابه، دیدگاه همسانی دارند ولی از نظر صوفیان، این برتری در مقامات معنوی است و مقامات سیاسی (از جمله به دست گرفتن حکومت) شامل حال آنان نمی‌شود (احمد، ۱۳۸۳، ص ۱۶). رهبران جنبش صوفیه در مصر به سبب علاقه خود به خاندان رسول‌الله (ص) همواره برپا دارنده آیین‌های شیعی و حافظ حریم اهل بیت (ع) بوده‌اند (پاک‌آیین، ۱۳۸۲). اشراف و بیشتر صوفیان دارای رویکرد غیر سیاسی هستند اما هنگامی که سلسله‌ها و طریقت‌های صوفی در زمینه‌های سیاسی فعال می‌شوند در بیشتر مواقع، ماجرا به یک شورش فراگیر می‌انجامد. آخرین بار، شورش‌های بزرگ اشراف در نبرد با انگلیسی‌ها روی داد. همچنین صوفیان به برخی از مسائل اجتماعی واکنش نشان داده‌اند. برای نمونه، در پی سخنان ضد شیعی رییس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، صوفیان مصر با برگزاری نشستی ویژه در پاسخ به سخنان قرضای خواستار برکناری او از ریاست و یا پوزش او از شیعیان و صوفیان شدند (خبرگزاری مهر ۱۳۸۷). همچنین با وجود سرمایه‌گذاری‌های فراوان سعودی‌ها، نفوذ وهابیت با چالش‌های جدی روبه‌رو است زیرا فرقه‌های صوفیان در همه لایه‌های مملکتی مدارج و مناسب عالی دارند (احمد، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

#### ۴. روابط شیعیان و سنیان در مصر

در سده اخیر شاید مشهورترین تماس شیعیان ساکن در فلات ایران و بین‌النهرین با مسلمان آفریقا و مغرب عربی، سفر سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر بوده است. سید جمال یکی از بنیان‌گذاران جنبش‌های سلفی بود و شاگردان او از جمله بنیان‌گذاران و سران اخوان‌المسلمین شدند (مطالعات آفریقا، ۱۳۸۶، ص ۳۵۴). یکی از مهم‌ترین سفرهای شیعیان، سفر آیت‌الله سید جعفر آل‌کاشف‌الغطا به همراه گروهی از علمای

شیعه عراق و با دعوت رسمی روحانیون الازهر در سال ۱۹۶۵ برای شرکت در دومین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی در قاهره بود. وی مورد استقبال مقامات و اندیشمندان مصری قرار گرفت به طوری که پیام او به مناسبت عاشورای آن سال (۱۹۶۵) از رادیو مصر پخش گردید. او در پورت سعید بر مزار شهدای مصری حاضر شد و از شهرهای مهم آن دیدار کرد. از سوی مقامات سیاسی، رییس و مقامات علمی برجسته الازهر دعوت‌های گوناگونی برای او ارسال شد و با نشریات گوناگون مصری گفتگو کرد.

سید عبدالحسین شرف‌الدین لبنانی، اثرگذارترین مسافر شیعی سده کنونی شمال آفریقا بود. او که از علمای نجف بود، در دهه ۱۹۱۰ در مبارزه با استعمار فرانسه شرکت کرد. او درباره تشیع و تسنن می‌گفت: «شیعه و سنی را، از روز نخست، سیاست از هم دور کرد و اکنون باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام)، آنان را کنار هم گرد آورد». <sup>۱</sup> سید شرف‌الدین با بزرگان اهل سنت در مصر مباحثه کرد که دستاورد آن نگارش کتاب معروف و پرمراجعه «المراجعات» است. این کتاب در سراسر آفریقا مورد خواست و رجوع شیعیان و علاقه‌مندان تشیع است. کتاب المراجعات شامل ۱۱۲ پرسش و پاسخ درباره مسائل گوناگون اختلافی میان دو مذهب است. فرقه سلفی این کتاب را محکوم کرده و اکنون در زمره کتب ممنوعه مصر قرار دارد. علامه شرف‌الدین کتاب «ابوهریره شیخ المضیره» را نیز نوشته بود که با اعتراض‌ها و پاسخ‌های گسترده اهل سنت روبه‌رو شد. برای نمونه، مصطفی السباعی به نوشته‌های وی در نکوهش ابوهریره و بدگویی از عایشه توسط شیعیان عراق و ایران حمله کرد (بهبهانی، ۱۳۸۴) و (بحرانی (۲)، ۱۳۸۴، ص ۴۶۷). شرف‌الدین در سال ۱۹۱۸ به میهن خود در جبل عامل لبنان بازگشته و در آنجا ساکن شد.

نواب صفوی در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی به مصر رفت. او با استقبال گرم اخوان‌المسلمین روبرو شد به طوری که او را در زیارت بارگاه‌های اهل بیت همراهی کردند. نواب، جمال عبدالناصر را به دلیل دستگیری اعضای اخوان به شدت مورد حمله قرار داد (عبدخدایی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۶ و خسروشاهی، ۱۳۸۵). محمد جواد مغنیه که رئیس‌القضات دادگاه‌های جعفری لبنان بود، در سال ۱۹۶۳ از مصر دیدن کرد. او

ردیه‌ای بر کتاب الخطوط العریضه محب‌الدین، خطیب مصری مخالف شیعیان نوشت (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰-۱۵۱ و روزنامه المحرر، ۱۹۹۵). شیخ قمی نیز از علمای ایرانی بود که در راستای تقریب شیعه و سنی، سفرهای پی در پی به مصر کرد.

سید مرتضی رضوی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ م. برای گسترش اتحاد اسلامی با بزرگان و متفکران مصری دیدار کرد که در جریان آن، مواد کتاب «مع الرجال الفکر فی قاهره» را گردآوری کرد. این کتاب گفتگوی بی‌پرده‌ای دربارهٔ امور گوناگون اسلامی است که اندیشه و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی را بیان می‌دارد. وی کتاب‌های زیر را در مصر چاپ کرد: «تفسیر شبر»، «علی و مناوئوه»، «عبدالله ابن سبا و اساطیر اخری»، «المتعه و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی»، «وسائل الشیعه و المستدرکاتها»، «اصل الشیعه و اصولها»، «الوضو فی الکتاب و السنه و السجود علی التربه الحسینیة». سید رضوی کتابی نمی‌نوشت مگر آنکه یکی از بزرگان مصر بر آن مقدمه نوشته باشد. «شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی» بر کتاب «وسائل الشیعه»، دکتر «سلیمان دنیا» بر کتاب «شیعه و فنون اسلام» و «شیخ احمد حسن الباقوری» بر کتاب «المختصر النافع» مقدمه نوشته است. سید رضوی در سال ۱۹۶۵ در دیدار با مدیر دارالکتب (کتابخانه ملی) قاهره درخواست کرد بخشی از دارالکتب به کتب شیعی اختصاص یابد. به دنبال آن، یک هیئت علمی در نجف اشرف مجموعه‌ای از کتاب‌های شیعی را به دارالکتب اهدا کرد (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰-۱۶۲). سید موسی صدر، آخرین سفر معروف شیعی به مصر را انجام داد. او مزار بزرگان شیعه را زیارت کرد و با شیوخ الازهر به بحث نشست.

هم اکنون آیت‌الله محمدعلی تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در زمینه ایجاد روابط حسنه میان شیعیان و اهل سنت بسیار پویا است و سفرهای پی‌درپی به آفریقا انجام می‌دهد (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷). همچنین تنی چند از شیوخ الازهر و اندیشمندان مصری از جمله شیخ الفهام، شیخ الشرباصی و احمد امین، سفرهای زیادی به نجف و قم انجام داده‌اند. احمد امین به سبب نگارش کتاب «فجر الاسلام» مورد نکوهش شیعیان واقع شد. از جمله شیخ جعفر کاشف‌الغطا در کتاب «اصل الشیعه و اصولها» سخنان امین را رد کرده است. بعدها امین گفت که آگاهی کافی و منابع مکفی در اختیار نداشته است و افزون بر مطالعه کتب شیعی، به سرزمین‌های

شیعیان سفر کرده است. محمد حسنین هیکل، نویسنده سیاسی، نیز در ۱۹۵۱ به ایران سفر کرد و با آیت‌الله کاشانی دیدار نمود و کتاب «ایران فوق برکان» را در سال ۱۹۵۱ نوشت. او پس از انقلاب نیز به ایران آمد و با امام خمینی (ره) دیدار کرده، کتاب «مدافع آیت‌الله» را نوشت (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵).

در سال ۱۳۴۲ خورشیدی و به دنبال قیام پانزده خرداد و بازداشت امام خمینی (ره) شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر در اعلامیه‌ای در سال ۱۳۴۲ از همه مسلمانان خواست از علمای مجاهد ایران که به جرم دفاع از حق زندانی شده‌اند، پشتیبانی کنند. در این اعلامیه، دستگیری علما و اهانت به آنان داغ‌نگینی بر پیشانی بشریت نامیده شد. در این راستا وی همچنین تلگراف‌هایی به آیت‌الله حکیم، آیت‌الله میلانی و پاپ فرستاد. شیخ محمود شلتوت که آبشخور این‌گونه رویدادها را حکومت استبدادی رژیم و شخص شاه می‌دید، در تلگراف شدیدالحنی به شاه، جایگاه والای روحانیان و پیشوایان دین را به او یادآور شده، از او خواست از تجاوز به حریم روحانیت و علمای اسلام خودداری و بازداشت‌شدگان را هر چه زودتر آزاد کند. شلتوت تا پایان عمر به ارتباط خود با علما و روحانیت شیعه ایران و پشتیبانی از آنها ادامه داد (شمس‌آبادی، ۱۳۸۷).

##### ۵. تقریبی‌های سنی مصر

کتاب «اضوا علی السنه المحمديه» نوشته شیخ محمود ابوریه از عالمان الازهر در مصر ممنوع‌الچاپ شده است. ابوریه متهم به تشیع و دوستی شیعیان است. او در همراهی با شیعیان، نقد کتاب‌های سنن و حدیث و صحابه را توجیه نمود و از این راه، به تشیع خدمت کرد و از دیدگاه‌های آنان پشتیبانی نمود. طه حسین نیز با نگاشتن کتاب «الفتنه الکبری» به فتنه عثمان اشاره کرد و مورد اتهام الازهر واقع شد. اخیراً کتابی با نام «حرکت آل‌البیت» از سوی الازهر در برابر این اثر منتشر شده است. استاد زینب الغزالی، از فعالان جنبش «اخوان‌المسلمین» مصر و رئیس جمعیت بانوان مسلمان و عضو دانشگاه الازهر (اشکذری، ۱۳۷۲) که برای اتحاد اسلامی بسیار کوشیده است، جدایی شیعه و سنی را توطئه صهیونیستی می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد در دام این فریب

نیفتند (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵، صص ۲۵۵-۲۵۷). دکتر عبدالواحد وافی رئیس دانشکده تربیت دانشگاه الازهر کتاب «بین الشیعه و السنه» را نوشته است. شادروان شیخ الفهام، از اساتید برجسته الازهر، به باورهای مشترک دو مذهب اشاره می‌کند. شیخ باقوری، استاد الازهر، اختلافات دو مذهب را فاقد پایه علمی می‌داند. شیخ عبدالوهاب عبدالطیف از مدرسان الازهر، مباحثه این دو مذهب برای همسایگی و در هم آمیختن آن دو را پیشنهاد می‌کند. شیخ عبدالرحمن نجار شیعیان را نیمی از سلمان می‌داند که اجتهادهای پاکیزه‌ای دارند (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۱۸۷-۱۹۸). پیش از اینان، شیخ محمد غزالی با طرح این موضوع که بزرگ‌ترین دشواری جهان اسلام، نبود حکومت اسلامی است از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جایگزینی یک حکومت اسلامی استقبال کرده بود (غزالی، در: کدیور، ۱۳۷۳، صص ۲۶۶-۲۶۹). وی مزایای حکومت اسلامی ایران را چنین برمی‌شمرد: شکست استبداد شاه، وابسته نبودن و زیر بار بدهی نرفتن در جنگ هشت‌ساله با عراق، و انتخابی بودن حاکم آن<sup>۲</sup> (علیخانی، ۱۳۸۴، ص ۵۲۰). غزالی در کتاب «الوحده الاسلامیه، صمود و تحدی» بسیار از شیعیان پشتیبانی کرده و هدف از تقریب را نه رفع اختلافات، بلکه نزدیکی گروه‌های اسلامی بدون توجه به شکاف‌های میان آنان اعلام کرد. غزالی در کتاب دیگری با نام «السنه النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث» کوشید مذاهب اسلامی و به‌ویژه باورهای مذاهب شیعی و مذاهب سنی را به هم نزدیک کند (multagana.org و بحرانی (۱)، ۱۳۸۴، ص ۵۵۹). محمد مهدی عاکف، رهبر کنونی جنبش اخوان المسلمین مصر نیز نزدیکی مذاهب اسلامی و توافق برای رویارویی با دسیسه صهیونیستی - آمریکایی که هدف آن به زانو درآوردن امت اسلامی و توهین به باورهای آنان، سست کردن ریشه‌های فرهنگی آنان و بخش بخش کردن منطقه خاورمیانه است، ضروری می‌داند (عاکف، ۱۳۸۷).

اینک به همان نسبت که سلفیان و وهابیان با همراهی جریان‌های سیاسی و نفوذی داخلی یا خارجی و غربی در حال شبهه‌افکنی و ستیزه‌جویی میان مذاهب اسلامی می‌باشند، جریان‌های میانه‌رو نیز در حال نیرو گرفتن هستند. هم‌اکنون با رویکردهای موافق با تقریبی‌ها (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) روبه‌رو هستیم. بسیاری از این رویکردها پاسخی به تندروری‌های سیاسی و دینی هستند. حضور محمد سید

طنطاوی، به‌عنوان شیخ الازهر، نیز در این باره مؤثر بوده است. دکتر طنطاوی، رئیس پیشین الازهر، در دیدار با یک هیئت عراقی به ریاست عمار حکیم، از رهبران برجسته در مجلس اعلای اسلامی عراق و فرزند عبدالعزیز حکیم، رئیس کنونی این مجلس، از آمادگی الازهر برای همکاری در فرایند تقریب میان اهل تسنن و تشیع خبر داده بود (شبستان، ۱۳۸۷). او اجازه نام‌نویسی دانشجویان شیعه در دانشگاه الازهر را صادر کرد (اخبار ملل، ۱۳۸۷، ص ۵۷). همچنین «احمد السایح» از استادان دانشگاه الازهر و عضو مجمع تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه شیعیان بخش جدایی‌ناپذیر شهروندان مصری هستند، گسترش مذاهب تندرو و کوشش پیروان این مذاهب برای فتنه‌افکنی را به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی گروه‌های اسلامی دانسته است (ایکنا، ۱۳۸۷). دکتر «علی جمعه» مفتی برجسته مصر و الازهر نیز از چهره‌های میانه‌رو است که نسبت به شیعیان رویکرد مثبتی دارد. او که رویه «تقریبی» دارد، برخورد بسیار منصفانه‌ای با مذاهب اسلامی دارد و حتی بر ضد تهمت‌های ناروا به شیعیان - پس از تحقیق درباره درستی یا نادرستی این ادعاها - پاسخ‌های دلیرانه‌ای داده است. آخرین فتوا مربوط به جواز مذهب جعفری، فتوای دکتر علی جمعه بود که پیروی از مذهب جعفری را جایز دانست و از این رو، راه علمای بزرگ تقریبی چون شیخین عبدالمجید سلیم، شلتوت و شرباصی را ادامه داد (moslemblog.mihanblog.com و جمعه، مجله اکتوبر، ۲۰۰۶). این رویه، دکتر علی جمعه را در برابر کسانی چون «محمود عاشور» رئیس کنونی شورای تقریب بین مذاهب قرار می‌دهد که با گسترش تشیع در مصر مخالف است و گفته است که دانشگاه اسلامی الازهر اجازه نخواهد داد تشیع در مصر گسترش یابد (moslemblog.mihanblog.com).

## ۶. مصریان شیعه

دکتر احمد راسم النفیس، دانش‌آموخته الازهر که به آیین تشیع گرویده است، مناظره‌های زیادی درباره تشیع در شبکه‌های ماهواره‌ای دارد. او کتاب‌های «طریق الی مذهب»، «اهل البیت (ع)»، «علی خطی الحسین (ع)» را نوشته است (راسم النفیس، ۱۳۸۸). به‌تازگی مجمع پژوهش‌های اسلامی الازهر مصر از انتشار کتاب او با نام

«رحلتی مع الشیعه والتشیع فی مصر» جلوگیری کرد؛ زیرا در این کتاب دیدگاه‌های شیعه در مخالفت با مذهب اهل سنت بیان شده است (www.hawzah.net) وی که از رهبران شیعیان و فعالان سیاسی مصر است با استناد به فتوای دانشگاه الازهر و قانون اساسی مصر از وزیر کشور مصر خواسته است مذهب شیعه را به رسمیت شناخته و از بازداشت پیروان این مذهب پرهیز نماید. راسم النفیس فتوای علمای میانه‌رو را که اختلاف میان شیعیان و اهل سنت را ناچیز و یا «سیاسی» می‌دانند، برهانی بر ضرورت پذیرش مذهب تشیع از سوی آن‌ها می‌داند. دکتر نفیس همچنین به قانون اساسی مصر استناد کرده که درخواست رسمی مذاهب برای پذیرش رسمی در کشور را پیش‌بینی کرده است (www.rasanews.ir). محمد بیومی مهران، نویسنده «الامامه و اهل البیت (ع)»؛ احمد عزالدین، نویسنده کتاب «الامامه والقیاده»؛ سعید ایوب، نویسنده کتاب‌های «الانحرافات الکبری»، «زوجات النبی (ص)»، «الطریق الی المهدی المنتظر (ع)»، «معالم الفتن» «وجاء الحق»؛ عاطف سلام، نویسنده کتاب «فقهیات بین السنه والشیعه»؛ معروف عبدالمجید، نویسنده کتاب «بلون الغار... بلون الغدیر»؛ الدمرداش العقالی، نویسنده کتاب «محاضرات عقائدی»؛ سلیم البشیری، نویسنده کتاب «المراجعات»؛ حسام‌الدین ابوالمجد، نویسنده کتاب «المعرفه و المَعرف»؛ از دیگر شیعیان پویا در مصر می‌باشند (http://www.aqaed.com). همچنین، دکتر علی ابوالخیر درباره حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) کتاب‌هایی نوشته است.

## ۷. انقلاب اسلامی و شیعیان مصر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اخوان المسلمین و جریان‌های حاکم بر مصر یعنی ناصریسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی با جنبش اسلامی ایران در تعامل بودند (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۶ و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸). اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ کتابی با نام «خمینی الترناتیو اسلامی» نوشته فتحی عبدالعزیز چاپ کرد که شیوه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی را راهکاری برای نظام‌های وابسته دانسته و می‌نویسد: «انقلاب [امام] خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست بلکه قانون ارزش‌ها و باورهای همسانی است که همه مسلمانان را به یگانگی می‌خواند» (سایت

الحوار الدینی، ۱۳۸۷). از دید خبرنگاران و تحلیل‌گران سیاسی، برخی از سنجه‌های تأثیر انقلاب اسلامی ایران در مصر و زنده و نیرومند شدن جنبش اسلامی آن کشور به این شکل نمایان می‌شد (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵، صص ۲۵۶-۲۵۷).

از آن هنگام در میان گروه‌های اسلامی و بیشتر دینداران مصر تبلیغات ضد تشیع گسترش یافت. این تبلیغات مدعی بودند شیعیان به سلف احترام نمی‌گذارد و الگو بودن گذشتگان را نمی‌پذیرند. این رویارویی حتی موجب شد از مطالعه بسیاری از کتب گذشتگان به این اتهام که آن‌ها شیعه هستند یا منسوب به تشیع‌اند، خودداری شود. چند سال پس از انقلاب اسلامی ایران، حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب بازیستاد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل مجموعه‌ای جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. سازمان «شیعیان خمینی» که از سوی شیعیان مصر و اعراب بحرینی، کویتی و عراقی مقیم آن کشور تشکیل شده بود، در سال ۱۹۸۸ متهم به ارتباط با حزب‌الله و منحل شد. با انحلال این سازمان دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای عرب در پی آن برآمدند تا از امکان نفوذ عناصر سازمان در کشورهای خود آگاهی یابند. مصر که در این برهه به سبب بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی در میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، با بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب ایران برای کشورهای منطقه کوشید ائتلافی با این کشورها ضد ایران ایجاد کند تا افزون بر بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی، امواج خروشان انقلاب اسلامی ایران را هر چه بیشتر مهار کند (عبدوس، ۱۳۸۷).

با آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی فشار بر شیعیان کاهش یافت و با پایان جنگ ایران و عراق بسیار کمتر شد (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۵ و ۱۷۱-۱۷۳). اما این به معنای آزادی عمل شیعیان نیست. برای نمونه ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سری شیعیان در سال ۱۹۹۶ را می‌توان یادآور شد. دستگاه اطلاعات مصر مدعی بود این سازمان فعالیت‌های گسترده در پنج استان کشور داشته است. دستگاه امنیتی مصر ۹ نفر را در استان‌های قاهره، جیزه، شرقیه، دقهلیه و غربیه دستگیر کرده بود که مهم‌ترین آن‌ها



حسن محمد شحاته موسی، امام جمعه معزول مسجد جامع قاهره بود (روزنامه الخلیج، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۶ و بولتن دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص ۶۰-۶۳).

#### ۸. سازمان‌های شیعی در کشور مصر

۱. **دارالبدایه:** در سال ۱۹۸۶ به‌عنوان نخستین مؤسسه چاپ و پخش شیعی مصر توسط صالح الوردانی و با یاری اعراب و مصری‌های شیعه تأسیس شد. چاپ شماری از کتاب‌های دانشمندان شیعه برای عرضه در نمایشگاه بین‌المللی قاهره از فعالیت‌های مهم این سازمان بود (شفیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). دارالبدایه با مخالفت تندروهای اهل سنت روبه‌رو شد که نتیجه آن، حمله به دارالبدایه، چاپ و پخش اعلامیه‌هایی علیه این سازمان از سوی سعودی‌ها و سلفی‌های مصر و مأموران امنیتی بود. اعضای سلفیه همه امکانات متعلق به دارالبدایه در نمایشگاه کتاب قاهره را پاره کردند. از کتاب کافی و کتاب المراجعات و کتاب «اصل الشیعه و اصولها» صفحاتی کپی شده بودند و در میان مردم پخش شدند. رئیس دارالبدایه دستگیر شد و سپس اعضای آن بازداشت شدند. در نهایت این مؤسسه در ۱۹۸۸ تعطیل شد. به نوشته وردانی، رییس این سازمان، مؤسسه‌های چاپ و پخش سعودی ۷۰٪ تالیفات مصر را در اختیار دارند. آن‌ها دارالبدایه و دارالهدف را وابسته به ایران دانسته و دو نویسنده این چاپخانه یعنی شیخ صالح الوردانی و شیخ حسن الصفار<sup>۳</sup> از شیعیان سرشناس مصر را مورد حمله قرار دادند.

صالح الوردانی پس از چندین سال توقف فعالیت‌های مجمع اهل البیت (ع) رسماً درخواست امکان فعالیت برای مجمع را بیان کرد (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵) و بر این نکته تأکید داشت که شیعیان مصر با هیچ کشور خارجی ارتباط و وابستگی ندارند (روزنامه المحرر، ۱۹۹۵). جالب آن است که در گزارش کنسولگری جمهوری اسلامی ایران آمده است که به درخواست وردانی برای کمک ایران به دارالبدایه پاسخ منفی داده شده است؛ زیرا از یک سو، اهداف وی ناآشکار است و از سوی دیگر، حجت‌الاسلام خسروشاهی، رایزن فرهنگی ایران در مصر، با فعالیت‌های تندروانه و جنجال‌برانگیز شیعیان مصر موافق نیست. وردانی می‌گوید که هدف از

تشکیل شورای مذکور، پشتیبانی از منافع شیعیان و نمایندگی آن‌ها در محافل رسمی کشور است. او تأکید می‌کند که شیعیان دیگر نباید پنهانی فعالیت کنند بلکه بر عکس، آن‌ها نیاز به اعلام موجودیت دارند. به باور رایزن فرهنگی ایران، «سیاست جمهوری اسلامی بر جذب همه لایه‌های جامعه مصر تأکید دارد و دامن زدن به فعالیت‌های تندروانه که به وسیله این‌گونه اشخاص صورت می‌گیرد، و بیان این مطالب در افکار عمومی و روزنامه‌ها به‌طور گسترده پیامدی جز حساس شدن اندیشه‌های دولتمردان و مردم سنی مذهب مصر نخواهد داشت». بنا به نظر رایزن فرهنگی ایران، بعید نیست مخالفت شیخ قرضاوی با فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران و گسترش مذهب شیعه در مصر و الجزایر، واکنش به چنین فعالیت‌هایی باشد» (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵).

**۲. دارالهدف:** این مؤسسه به‌جای دارالبدایه و با همان کادر، اهداف و چاپخانه تشکیل شد. به نوشته الوردانی، رییس دارالبدایه، دارالهدف همه‌ساله در نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره شرکت می‌کند و به زنده کردن مناسبت‌های شیعی از جمله عاشورا و عید غدیر اهتمام می‌ورزد. با سرکوب گروه‌های دیگر اسلامی از سوی حکومت مصر، زمینه برای فعالیت این مؤسسه هموارتر شده است (۱۳۸۲، ص ۱۸۳).

**۳. مجمع تقریب مذاهب اسلامی:** ۶۰ سال پیش، شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله بروجردی در اقدامی مشترک، مجمع تقریب مذاهب اسلامی را تشکیل دادند. دعوت جمعیت تقریب پس از ۱۹۴۶ در مصر آغاز شد. شیخ حسن البنا بنیانگذار و رهبر اخوان‌المسلمین نیز آن را تأیید می‌کند. بنا می‌گفت که شیعه و سنی امتی یگانه هستند. اخوان‌المسلمین با این جمعیت همکاری داشت (آذرشب، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰). در سال ۱۹۳۸ علامه محمدتقی قمی برای دعوت به سوی همبستگی و برادری به مصر برای دیدار محمد مصطفی مراغی که آن روز رئیس الازهر بود، رفت و در نخستین دیدار دریافت که شیخ مراغی با اندیشه وحدت و همبستگی موافق است (رضانزاد، ۱۳۸۶). علامه سپس شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم را وارد تشکیلات دارالتقریب نمود و خود به‌صورت غیررسمی در کنار و همراه دعوت وحدت قرار گرفت. عبدالمجید سلیم از «طلایه‌داران تقریب» بود که در این راه بسیار کوشید و

شاگرد بزرگ او شیخ محمود شلتوت خدمات بسیار به تقریب مذاهب اسلامی کرد. سلیم با سید شرف‌الدین روابط نزدیکی داشت و با آیت‌الله بروجردی مکاتبه می‌کرد (عابدی میانجی، ۱۳۸۶). بدین‌سان، میان علمای شیعی و سنی رابطه برقرار شد. شیخ محمود شلتوت نیز از روزی که به جمع دارالتقریب پیوست تا پایان عمرش در کنار دارالتقریب باقی ماند (پایگاه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی).

شمار دیگری از بزرگان الازهر که با علمای شیعه تا پایان دهه ۱۹۷۰ میلادی روابط دوستانه داشتند، در تشکیل آن سهم بودند. شیخ شرباصی و شیخ فهم از برجسته‌ترین علمای تقریبی بودند. در آن هنگام، شیخ محمد مدنی، مدیر کل جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی بود. از جمله علمای شیعی مطرح در تقریب که با علمای الازهر و مبلغان سرشناس تقریب در مصر در ارتباط بودند، شیخ محمدجواد مغنیه، شیخ علی آل‌کاشف‌الغطا از عراق، سید مرتضی رضوی که با بسیاری از دانشمندان قاهره دیدن کرد، و سید طالب حسینی الرفاعی را می‌توان نام برد. شیخ مدنی کتابی با عنوان «دعوت التقریب من خلال رساله الاسلام»، چاپ مجلس الاعلی للثئون الاسلامیه، در سال ۱۹۶۶ نوشت و اهداف جمعیت تقریب مذاهب اسلامی را در آن توضیح داد. حسن البنا و آیت‌الله کاشانی در راستای نزدیکی جماعت‌های مسلمانان در حج دهه ۱۹۷۰ میلادی با یکدیگر دیدار کردند. عبدالحلیم محمود - شیخ الازهر - نیز شیعیان را از هر دسته‌ای که باشند، برادر دینی می‌نامید.

در این جمعیت، مذاهب چهارگانه سنی و شیعیان امامی و زیدی و اسماعیلی عضو بودند. جمعیت با پشتیبانی علمای سرشناس مصر به‌ویژه، شیخ محمد متولی الشعراوی تا پایان دهه ۱۹۷۰ میلادی پویا بود. در دهه ۱۹۸۰ م. و همزمان با برپایی جنگ‌هایی در سرزمین‌های اسلامی و گسترش واپسگرایی از سوی وهابی‌ها، تشکیک در باورهای شیخ قمی از سوی مجله الاعتصام مصر طرح شد. با چاپ و پخش نامه محمد حسنین مخلوف مفتی پیشین و وزیر اوقاف وقت مصر در این مجله که به شیخ شعراوی پیشنهاد می‌کرد از جمعیت تقریب بیرون آید، این مبارزه پررنگ‌تر شد. پیروزی انقلاب اسلامی و توقیف مجله «رساله الاسلام» که از سوی جمعیت تقریب منتشر می‌شد، به توقف کامل فعالیت‌های جمعیت تقریب انجامید. پس از انقلاب اسلامی، علمای الازهر

نیز از تشیع ترسیدند. الازهر هر ساله کتاب‌های شیعی را در نمایشگاه کتاب قاهره جمع‌آوری می‌کند و بسیاری از کتاب‌های شیعه را در فهرست سیاه قرار می‌دهد؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «الشیعه و الحاکمون» مغنیه، «المراجعات» شیخ عبدالحسین شرف‌الدین، «البیان فی تفسیر القرآن» از آیت‌الله خویی، «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی، «نظام حقوق زن در اسلام» از شهید مطهری و همه کتاب‌های امام خمینی (ره). دیدگاه‌های عالمانی که با شیعیان و جمعیت تقریب مخالفاند، به‌طور منظم در روزنامه‌ها و کتاب‌ها چاپ می‌شوند. مصطفی السباعی از دانشمندان اثرگذار مصری اعلام داشته بود که «ظاهراً علمای شیعی قصد تقریب بین مذاهب شیعه و سنی را ندارند بلکه خواهان تقریب سنی به شیعه هستند تا آن‌ها را شیعه کنند» (بحرانی (۲)، ۱۳۸۴، ص ۴۶۷). باین‌همه، عالمانی که همچنان خواهان رفتار منصفانه با شیعه هستند، در الازهر کم نیستند؛ برای نمونه، شیخ محمد غزالی و شیخ یوسف قرضاوی در راه تقریب گام‌های بلندی برداشتند (بحرانی (۲)، ۱۳۸۴، ص ۵۰۹). غزالی<sup>۴</sup> از شیخ قمی، شیخ مغنیه و آیت‌الله کاشانی (به‌سبب نقش وی در ملی شدن نفت) تمجید کرده، (بحرانی (۱)، ۱۳۸۴، ص ۵۵۹) آنان را دوست خود می‌نامد.

**جمعیت آل‌البیت:** «جمعیت آل‌البیت» در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان سخنگوی اصلی شیعیان مصر در سال ۱۹۷۳ اعلام موجودیت کرد. در آغاز عنوان شیعه را آشکارا نداشت و اهداف آن کمک‌های اجتماعی، خدمات فرهنگی، علمی و دینی بود. سید طالب الرفاعی از علمای عراق در این جمعیت بسیار فعال بود و به نوعی رئیس این تشکیلات بود. جمعیت آل‌البیت (ع) در راستای فعالیت‌های تقریب عمل می‌کرد و مسلمانان سنی هم در آن عضو بودند. چاپ و پخش کتاب‌هایی چون المراجعات، «علی (ع) الاسوه» و «التشیع ظاهرة طبعه فی اطار الدعوة الاسلامیه» حساسیت‌های زیادی را ضد این جمعیت برانگیخت (وردانی، ۱۳۸۲، صص ۲۰۱-۲۰۳). با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و احساس خطر شدید دولت مصر از شیعیان به یکباره دستور به توقف همه فعالیت‌های «جمعیت تقریب بین مذاهب» و «جمعیت آل‌بیت» صادر شد. این دستور، فشارهای امنیتی شدیدی بر شیعیان وارد آورد و پس از آن هیچ گروه اسلامی شیعه در مصر تشکیل نشد. همچنین در سال ۱۹۸۷ که سفارت ایران در مصر

تعطیل شد و در سال ۱۹۸۸ میلادی نیز بر بحرینی‌ها، کویتی‌ها، عراقی‌ها و سایر شیعیان با این اتهام که شما می‌خواهید «حزب‌الله» تشکیل دهید، فشارهای بیشتری وارد آمد (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵). پس از آن، بسیاری از شیعیان مصری کوشیدند هرگونه ارتباط با جمهوری اسلامی را نفی کنند؛ برای نمونه، احمد هلال، روان‌پزشکی که به مذهب تشیع گرویده، باور دارد «تا هنگامی که دولت پشتیبانی خود را از آزادی بیان اعلام می‌دارد، شیعیان حق دارند شورایی که نمایندگی آنان را به عهده گیرد، داشته باشند». هلال ضمن نفی هرگونه رابطه با تهران علاقه خود را به انقلاب ایران پنهان نمی‌کند، ولی علت آن را، افزون بر پیروزی انقلاب ایران بر غرب، شایستگی این کشور در رویارویی با غرب عنوان می‌نماید (روزنامه‌الوطن، ۱۳۷۵).

شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت (ع) از مؤسسه‌های شیعی مصر است که به‌تازگی با دبیری محمد الدرینی فعالیت‌های خود را از نو آغاز کرده است.

### جمع‌بندی

اطلاعات موثق و پرتکرار از وضعیت شیعیان مصر در دست نیست، ولی با نگاهی به گزارش‌های موجود می‌توان دو دسته شیعی را بازشناخت: یکی شیعیان امامیه که با آگاهی، به‌تازگی (بیشتر در چند دهه اخیر) و عموماً از دیگر مذاهب تغییر آیین داده‌اند و مذهب دوازده‌امامی را پذیرفته‌اند. دیگری شیعیان سنتی مصر است که ۷، ۶ و ۴ امامی هستند و معمولاً کمتر امکان دسترسی به آموزش‌های دینی را داشتند. جعفره، اشراف (طالبین) و بُهره‌ها در این دسته قرار دارند. گروه‌های دیگری همانند صوفیان با آموزه‌های شیعی آشنا هستند و برخی آیین‌های شیعی را برپا می‌دارند، ولی نمی‌توان از آنان با عنوان شیعه یاد کرد. از نظر این مقاله، اینان شیعیان سده‌های پیشین هستند که به‌سبب فشارهای محیطی و دوری از منابع اصیل، باورهای خود را پنهان داشته، فراموش کرده یا دچار اختلاط با سایر آیین‌ها و مذاهب شده‌اند. در دسته‌بندی دیگری شیعیان به دو گروه فعال و غیر فعال تقسیم می‌شوند. گروه‌های فعال هم شامل شیعیان امامیه می‌شود و هم شیعیان سنتی مصر به‌ویژه صوفیان را دربر می‌گیرد. در پژوهش‌هایی که درباره شیعیان مصر انجام شده و گزارش‌هایی که از فعالیت‌های

اجرائی داده شده، تلاش بر این بوده است تا جامعه شیعیان یک مجموعه کلی در نظر گرفته شوند و تفاوت‌های دسته‌های گوناگون تا حد ممکن دور از نظر داشته شود. هرچند شمار شیعیان امامیه در مصر اندک است و شیعیان دسته‌های دیگر به ویژه هفت‌امامی‌ها نیز جمعیت‌های کم‌شماری در مصر دارند، امید به آگاهی جمعیت‌های شیعی از اصول تشیع افزایش یافته است. از سوی دیگر، جامعه مصر دوستدار فرهنگ اهل بیت (ع) بوده و فرهنگ شیعی در متن این جامعه ریشه‌دار است؛ بنابراین، در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش باید گفت: هرچند شمار شیعیان مصر زیاد نیست، فرهنگ و آیین‌های شیعی در این جامعه پرقت هستند. پژوهش کنونی کوشید برخی از ابعاد اجتماعی- فرهنگی زندگی شیعیان در جامعه مصر را مورد بررسی قرار دهد تا با شناخت بخشی از تاریخ تشیع در مصر، زمینه برای فرایندهای تصمیم‌ساز فراهم شود. از نظر جامعه‌شناختی در مصر مسئله اصلی که وجود دارد تضاد دو دیدگاه تندرو (سلفی) و میانه‌رو درباره حدود و ثغور حضور اسلام است. در هر دو سطح نخبگان و عموم مردم، افرادی که به یکی از این جریان‌ها تعلق داشته باشند، یافت می‌شوند. میانه‌روها در برابر فعالیت‌های درون‌گروهی شیعیان موضع‌گیری خاصی ندارند، ولی تندروها (سلفیان و وهابیان) ضد شیعیان تبلیغ کرده و دیگران را بر آن‌ها برمی‌آشوبند. آسیب جدی که فعالیت‌های فرهنگی شیعی در مصر با آن روبه‌روست، از درون خود شیعیان فعال برمی‌خیزد. اگر به پیشینه برخی از گروندگان به این آیین در کشورهای سنی مذهب نگریسته شود، ملاحظه خواهد شد که آنان از مسلمانان سخت‌گیر و پرشور و شری بوده‌اند که در نتیجه کوشش فکری و عملی، واقعیت‌های تشیع را پس از راه طولانی مبارزه کشف کرده‌اند. پیشینه تندروانه آن‌ها (برخی از این نوشیعیان در گذشته وهابی یا سلفی بوده‌اند و یا چند بار تغییر مذهب داده‌اند) نشان از شخصیت پرشور آن‌ها دارد و در فعالیت‌های شیعی نیز از برخوردهای تندروانه نمی‌هراسند. گاه از سوی آنان درگیری‌های لفظی شدید به‌ویژه در نشریات، دانشگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی روی می‌دهد که به تنش در روابط شیعیان با دستگاه‌های عمومی و دولتی می‌انجامد. با این حال، متن جامعه بستر مناسبی برای میانه‌روی است. افزون بر وجود شرایط فرهنگی- فکری- تاریخی، نهادهای دانشگاهی و علمی مصر از ظرفیت‌ها و

توانمندی‌های بالایی برخوردار هستند. اگرچه مصر محل برخورد تندروترین آرای اسلامی با میانه‌روترین و لیبرال‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و با اینکه مسلمانان میانه‌رو یا مسلمانان بسیار لیبرال در این سرزمین بسیارند، نهادهای دینی و دولتی برای حفظ سیمای مشروع خود در جهان اسلام، معمولاً به گروه‌ها و جریان‌های تندرو سلفی و حتی وهابی، مجال فعالیت می‌دهد و از گسترش رسمی گروه‌های ناهمگون با فرهنگ دولتی - رسمی جهان اسلام جلوگیری می‌کند.

### یادداشت‌ها

۱. «فَلْتَجْمَعُ السِّيَاسَةَ، فَلْتَجْمَعُ السِّيَاسَةَ».

۲. غزالی برای شرکت در هم‌اندیشی «اندیشه اسلامی» در سال ۱۳۶۴ به ایران آمد.

۳. <http://www.saffar.org/>

۴. شیخ یوسف قرضاوی، مفتی اعظم مصری که در قطر ساکن است و در میان اهل سنت بسیار بزرگ داشته می‌شود، شاگرد محمد غزالی است و کتابی مشهور با نام «الشیخ الغزالی کما عرفته (رحله نصف قرن)» (چاپ قاهره، دارالشروق: ۲۰۰۰/۱۴۲۰) نوشته است. این کتاب، خودسرنوشت‌نویسی شیخ قرضاوی و زندگی‌نامه شیخ غزالی در دوران دانشجویی قرضاوی است. قرضاوی تا پیش از موضع‌گیری‌های اخیر خود، به نزدیکی به جمعیت تقریب مذاهب و در پیش گرفتن رویکردهای میانه‌رو شناخته می‌شد.

### کتابنامه

آذرشب، محمدعلی (۱۳۸۳)، پیشینه تقریب، تاریخچه و مستندات دارالتقریب مذاهب اسلامی در قاهره و بررسی مجله آن (رساله الاسلام)، برگردان: رضا حمیدی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

آقایی، بهمن و خسرو صفوی (۱۳۶۵)، *انحوان المسلمین؛ تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش انحوان المسلمین در یک قرن اخیر*، تهران: رسام.

احمد، حسام (۱۳۸۳)، «تشیع در مصر»، *ماهنامه اخبار شیعیان*، سال سوم، شماره ۲۸، اسفند.

اخبار شیعیان (۱۳۸۳) *ماهنامه اخبار شیعیان*، سال سوم، شماره ۲۸، اسفند.

اخبار ملل (۱۳۸۷)، «الآزهر دانشجوی شیعه می‌پذیرد»، *اخبار ملل*، سال چهارم، شماره بیستم، فروردین و اردیبهشت.

اشکذری، (۱۳۷۲)، «روزهای خاطره، قسمت دوم»، ماهنامه پیام زن، اردیبهشت، شماره ۱۴. اظهارات روحانی مصری در باره مخالفت با گسترش تشیع در مصر (۱۳۹۰)، پایگاه تحلیلی وبلاگ نویسان مسلمان. <http://moslemblog.mihanblog.com/post/1746> (دسترسی در ۳ تیر).

امیردهی، ع.ر. (۱۳۸۶)، «مصر از هرم تا حرم (۱)»، اندیشه تقریب، سال سوم، شماره دهم، بهار.

بحرانی، مرتضی (۱۳۸۴) (۱)، «محمد غزالی»، در: علیخانی، علی اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)؛ از فروپاشی خلافت عثمانی، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار.

بحرانی، مرتضی (۱۳۸۴) (۲)، «مصطفی سباعی»، در: علیخانی، اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)؛ از فروپاشی خلافت عثمانی، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار.

بنی جمالی، شیما (۱۳۸۸)، «نگاهی به تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای آفریقایی»، خبرگزاری فارس، ۲۰ فروردین.

بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه (دیدگاهها و تحلیلها)، (۱۳۷۵)، «شیعیان مصر». سال ۱۰، اسفند.

بهبانی، مرضیه (۱۳۸۴)، «علامه شرفالدین، مبارز وحدت‌گرا»، مجله اندیشه تقریب، سال یکم، ش ۱، پاییز.

بیات، حمید (۱۳۷۹)، «بررسی روابط ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، بهار و تابستان. پاک‌آیین، محسن (۱۳۸۲)، «اهل بیت: حلقه اتصال مردم ایران و مصر»، روزنامه ایران، سه شنبه ۱۴ بهمن.

پاک‌آیین، محسن (۱۳۷۵)، «محبت اهل بیت(ع): حلقه اتصال مسلمانان ایران و مصر»، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۲، پاییز.

الجبرین، عبدالله (۱۳۷۴)، استفتا از شیخ عبدالله الجبرین پیرامون شیعیان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۳۰ بهمن.

چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۱)، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

خاکرند، حسن (۱۳۷۵)، (سفارت دبی، امارات)، «ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سری شیعیان در آن کشور» (گزارش روزنامه الخلیج به تاریخ ۲۲/اکتبر/۱۹۹۶)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: ۲ آبان.



- خبرگزاری ایکننا (۱۳۸۷)، «علمای الازهر: تهدیدی از جانب تشیع وجود ندارد»، ۲۰ تیر.
- خبرگزاری ایکننا (۱۳۸۷)، «تلاش علمای مراکشی برای ارتقای اسلام میانه‌رو»، ۱۳۸۷/۸/۱۹.
- خبرگزاری مهر (۱۳۸۷)، «اعتراض صوفیان مصر به سخنان ضد شیعی رییس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، ۲۰ آبان.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۲)، «دیدار با رهبر!! شیعیان مصر»، دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره، ۲۹ اردیبهشت.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۵)، «نواب صفوی و رهبران اخوان المسلمین: نخستین گام‌ها در راه تقریب»، روزنامه اطلاعات، شنبه ۷ بهمن.
- الدربینی، محمد (۲۰۰۳)، «نطالب بالازهر»، قاهره، نشریه المجله، ۳/۱۶.
- دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها (۱۳۷۵)، شیعیان مصر»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، سال ۱۰، اسفند.
- راسم النفیس، احمد (۱۳۸۸)، «چهار گروه بر ضد شیعیان مصر فعالیت می‌کنند»، ۲۵ مرداد، [www.sedayeshia.com/showdata.aspx?dataid=1452](http://www.sedayeshia.com/showdata.aspx?dataid=1452)
- «گفتگو با) صادق رمضانی گل‌افزایی» (۱۳۸۷)، رییس مجمع جهانی اهل‌البيت (علیهم‌السلام اجمعین) و مسئول شبکه ماهواره‌ای ثقلین درباره شیعیان افریقا، ۱۳ بهمن.
- رایزنی فرهنگی ایران در دوحه (۱۳۷۵)، قطر، «گزارش پیرامون درخواست یک نویسنده شیعه مصری (صالح وردانی) مبنی بر تشکیل شورایی برای شیعیان مصر» (ترجمه و بررسی مقاله‌ای در روزنامه الوطن قطر) ۳۰ مهر.
- روزنامه المحرر (۱۳۷۴)، چاپ مصر، «گزارش پیرامون اوضاع شیعیان در مصر»، ۱۹۹۵/۱۰/۳۰، شماره ۳۲۷/۸۵، گزارش رایزنی فرهنگی ایران در بیروت، لبنان، ۹ اسفند.
- رضانژاد، عزالدین (۱۳۸۶)، «شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان‌ترین مفتی تقریبی الازهر»، ۱ دی، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- رضوان طلب، محمد رضا (۱۳۸۵ش)، «مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان»، دستیاران: سید مجتبی طباطبایی، حسین رضوان طلب، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۰۶م.
- سایت الحوار الدینی (۱۳۸۸)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷.
- <http://www.alhiwaraldini.com/fa.php/page,2092A5990.html> (دسترسی در مهر).
- سایت شبستان (۱۳۸۷)، «اعلام آمادگی الازهر برای مشارکت در تقریب اهل تسنن و تشیع عراق»، ۱۳۸۷/۵/۷.
- سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، علامه محمد تقی قمی.

الشابی، علی (۱۳۹۵ق)، (الاستاذ بکلیه الشریعه و اصول الدین)، الصراع المأهبي بافریقیه الی قیام الدوله الزیری، الجامعه التونسیه، الدار التونسیه للنشر، ۱۹۷۵ میلادی .  
شفیعی، مصطفی (۱۳۸۳)، «با شیعه در مصر»، مجله آینه پژوهش، سال ۱۵، شماره ۲، خرداد و تیر.

شمس آبادی، حسن (۱۳۸۷)، «مواضع شیخ محمود شلتوت در قیام پانزده خرداد»، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۸ مهر.

«فتوای شیخ محمد بن صالح العثیمین عضو شورای علمای بزرگ پیرامون شیعیان (روافض)» (۱۳۷۴)، مترجم: جباره، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۳۰ بهمن.

«فتوای شیخ الازهر: حکم تفرقه بین مسلمانان و قبله شیعه» (۱)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند شماره ۶۹۴۵ جدید / ۸۹۳۹ قدیم.

فصلنامه مطالعات افریقا، «نگاهی به چگونگی پیدایش و تشکیل جنبش اسلامی در مصر» (۱۳۸۶)، فصلنامه مطالعات افریقا، سال دوازدهم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

عابدی میانجی، محمد (۱۳۸۶)، عبدالمجید سلیم، «مرزبان شریعت»، ۱۶ آبان، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

عاکف، محمد مهدی (۱۳۸۷)، «اخوان المسلمین مصر از اندیشه‌های امام خمینی (ره) حمایت می‌کند»، ۱۳ اسفند،

<http://alhiwaraldini.com/Portal.aspx?PID=71243&Cultcure=Persian&CaseID=3364>  
0 (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰).

عبدخدایی، محمد مهدی (۱)، «سفر شهید نواب صفوی به مصر و اردن»، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۵، صص ۱۸۶-۱۹۰.

عبدوس، حامد (۱۳۹۰)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، ۳ اسفند ۱۳۸۷، سایت تبیان: <http://www.tebyan.net/Weblog/tondar59/post.aspx?PostID=43708> (دسترسی در ۲

تیر).

غزالی، محمد (۱۳۷۳)، «فرهنگ شیعی مردم مصر»، در: جمیله کدیور، مصر از دیدگاهی دیگر، مبارزه با بدعت‌ها (گفتگو با امام محمد غزالی)، تهران.

علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار.

طغوش، محمد سهیل (۱۳۸۰)، دولت ایوبیان، برگردان: عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

کدیور، جمیله (۱۳۷۳)، مصر از دیدگاهی دیگر، تهران، اطلاعات.

کمونۀ حسینی، عبدالرزاق (۱۳۷۱)، *آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین*، برگردان: عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی.

مصطفی، حمدی (۱۳۸۷)، «بررسی سیاسی تصوف در مصر، برگردان و اضافه: سید قاسم ذاکری، نشریه *اخبار ملل*، سال چهارم، شماره بیستم، اردی‌بهشت.

مظفر، محمد حسین (۱۳۶۸)، *تاریخ شیعه*، برگردان: سید محمد باقر حجتی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال افریقا؛ از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۹)، *فاطمیان در مصر*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

وردانی، صالح (۱۳۸۲)، «شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی»، برگردان: عبدالحسین بینش، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

هاپکینز، ویچولیس و ریم سعد (۱۳۸۹)، «دایره‌المعارف کشورها و فرهنگ آنان»، در: فرهنگ مردم مصر، *مجله پژوهش‌های منطقه‌ای*، شماره ۳، بهار، صص ۴۹-۷۴.

مرکز الأبحاث العقائدیة (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰)

<http://www.aqaed.com/mostabser/index.html>

[www.rasanews.ir](http://www.rasanews.ir)

خبرگزاری رسا (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰)

[www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

پایگاه حوزه (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰)

پایگاه تحلیلی وبلاگ نویسان مسلمان (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰)

<http://moslemblog.mihanblog.com/post/1746>